

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه سمنان در خطبه‌های نماز جمعه سمنان (۹ آبان ۱۴۰۴):

گناه مانند نیش مار و عقرب برای انسان مُهلک است و راه مقابله با آن نیز «تقوا» است / فاطمه زهرا(س) دختری فداکار برای پیامبر، همسری ولایتمدار برای امیرالمؤمنین(ع) و مادری مهربان برای حسنین و زینب کبری(س) بود / فاطمه(س) الگوی بی‌نظیر «عفاف و حجاب» و اسوه «جهاد در راه خدا» است / ۱۳ آبان؛ روز استکبارستیزی است / علت دشمنی آمریکا با ملت ایران، اراده ما برای استقلال و نفی وابستگی است / آمریکا با هر کشور مستقلی چه دینی باشد چه نباشد، دشمنی می‌کند / همگان از بیان سخنانی که جامعه را دوقطبی می‌کند و انسجام ملی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد خودداری کنند / تسخیر لانه جاسوسی آمریکا «انقلاب دوم» بود / نباید اجازه داد تاریخ انقلاب، تحریف و یا به فراموشی سپرده شود / اینکه برخی افراد که در جمهوری اسلامی مسئولیت‌هایی نیز داشته‌اند، امروز اشغال سفارت آمریکا را اشتباه می‌خوانند مایه تأسف است / برای مشکل معیشت مردم اقدامات عملی انجام شود

شما نمازگزاران عزیز، خواهران گرامی و برادران بزرگوار و خودم را توصیه و سفارش به تقوا می‌کنم که همه ما در انجام واجبات، ترک محرمات و رسیدن به تقوای حداکثری نهایت دقت و مراقبت را داشته باشیم، ان شاء الله.

امیرالمؤمنین علی(ع) نیز فرمان رعایت تقوا را داده است. آن حضرت می‌فرماید: نیش عقرب، مار و زنبور را دیده‌اید؟ گناه برای روح انسان، همانند نیش عقرب است! همانند نیش زنبور. فرمود که این نیش حیوانات گزنده را تنها با رعایت تقوا می‌توان ریشه‌کن کرد. فرمود خطاها و گناهان نیز مانند همین نیش‌های گزنده‌اند. اگر نمی‌خواهید دچار عقرب‌گزیدگی، مارگزیدگی یا آلودگی به گناه شوید، باید حتماً از «ملکه تقوا» برخوردار باشید تا بتوانید ریشه گناه و آن زهر گشنده را از بین ببرید!

در آستانه شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) هستیم که بنابر روایت ۷۵ روز، روز شهادت آن حضرت در سیزدهم آبان واقع شده است. این مناسبت را به همه عزیزان، بزرگواران، مؤمنین و مؤمنات تسلیت عرض می‌کنم.

فاطمه(س) کیست؟ فاطمه، دختر پیامبر خدا حضرت محمد(ص) و همسر امیرالمؤمنین علی(ع) و مادر حسنین و زینب کبری(س) است. فاطمه در خانه، مادری مهربان و تربیت‌کننده فرزندان نمونه بود، و در اجتماع، بانویی طاهر و الگویی تمام‌عیار برای همه مردان و زنان مسلمان تاریخ.

او الگوی حجاب و عفاف برای همه بانوان است. در میدان جنگ نیز فاطمه(س) پرستار مجروحان بود. هنگامی که امیرالمؤمنین علی(ع) در جنگ أحد برای شستن زخم‌های پیامبر و مداوای ایشان آمدند، تاریخ نوشته است که زهرای اطهر(س) در آنجا حاضر بودند و به پانسمان جراحات پیامبر اکرم(ص) کمک کردند.

حضرت فاطمه(س) استکبارستیز و در برابر دشمن، خستگی‌ناپذیر بود و الگویی برای همه مجاهدان فی سبیل‌الله به شمار می‌رفت. نسبت به زُخارف دنیا و تجملات، بی‌اعتنا بود.

امام محمد باقر(ع) فرمود: مقام و منزلت حضرت زهرا(س) تنها برای مؤمنان یا انسان‌ها نیست. فرمود «لَقَدْ كَانَتْ مَقْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْأَوْحُوشِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ» یعنی خداوند اطاعت از زهرا(س) را بر همه مخلوقات خود – از جن و انس و پرندگان و حیوانات وحشی گرفته تا انبیا و حتی فرشتگان – واجب گردانده است، نه فقط مردم! این روایت را طبری در صفحه ۲۸ «دلائل الامامة» نقل کرده است.

بنابراین، مقام و منزلت حضرت زهرا(س) تنها برای انسان‌ها و مؤمنان نیست، بلکه شامل همه مخلوقات عالم می‌شود.

اگر می‌خواهیم فاطمه را بشناسیم، باید او را در حمایت از امام زمان خود و در میزان ولایت‌مداری‌اش ببینیم. ولایت‌مداری حضرت زهرا(س) را باید در خطبه‌های آتشین آن بانو مشاهده کرد.

ما نیز باید در فاطمیه‌هایی که در پیش داریم ان‌شاءالله با معارف فاطمی و سبک زندگی حضرت زهرا(س) آشنا شویم و در عمل نیز پیرو ایشان باشیم.

در یکی از این خطبه‌ها وقتی گروهی از انصار و مهاجرین به محضر زهرا(س) آمدند، آن حضرت مسائل مهمی بر آنان ایراد فرمود. بخشی از آن خطبه درباره ولایت‌مداری حضرت زهرا(س) است: یعنی معرفی امیرالمؤمنین علی(ع).

حضرت زهرا(س) در این خطبه فرمود «وَمَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ، نَقَمُوا مِنْهُ وَاللَّهِ نَكِيرَ سَيْفِهِ وَقِلَّةَ مَبَالَايَةِ بِخْتَفِهِ وَشِدَّةَ وَطْأَتِهِ وَنَكَالَ وَقْعَتِهِ وَتَنَمَّرَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ» زهرا(س) ابعاد مختلف آن دوران را تحلیل کرد و فرمود: چرا چنین شد؟! با آن‌همه سفارشات پیامبر اکرم(ص) در روز غدیر و در احادیث منزلت و غیره، که بارها امیرالمؤمنین علی(ع) را به‌عنوان وصی، خلیفه و امام بعد از خود معرفی کرده بود، چرا مردم حضرت علی(ع) را کنار زدند، عیب‌جویی کردند و او را از جایگاهش بازداشتند؟!

خود حضرت زهرا(س) پاسخ می‌دهند و می‌فرمایند «قسم به خدا، امیرالمؤمنین علی(ع) را کنار گذاشتند نه به خاطر نقص یا خطا، بلکه به سبب شمشیر حق‌طلب و عدالت‌خواه او! شمشیری که در راه حق تیز بود، زیرا علی(ع) از مرگ ترس و واهمه نداشت و در مسیر حق کوتاه نمی‌آمد. مواضع قاطع او در برابر خطاکاران، بسیار سخت و عبرت‌آموز بود. او همیشه آماده دفاع سریع از دین خدا بود»

در روایت شریف دیگری آمده است که پیامبر اکرم(ص) مأموریتی به امیرالمؤمنین علی(ع) سپرد که گروهی از اصحاب نیز در آن بودند. در پایان آن مأموریت، غنائمی به دست آمد. هنگام بازگشت، پیامبر(ص) در راه حج بودند و امیرالمؤمنین علی(ع) نیز به ایشان ملحق شد. وقتی حضرت علی(ع) از نزد پیامبر(ص) بازگشت مشاهده کرد که آن افراد، غنائم را میان خود تقسیم کرده‌اند. امیرالمؤمنین علی(ع) با قاطعیت، همه آن غنائم را بازپس گرفت!

آنان نزد پیامبر شکایت کردند و گفتند: ما برای جهاد رفتیم، اما علی چنین و چنان کرد. پیامبر اکرم(ص) فرمودند «ارفعوا السنتکم عن علی بن ابیطالب فانه خشن فی ذات الله عزوجل غیر مداهن فی دینه» زبان از شکایت علی بن ابی طالب بازدارید! علی در راه خدا اهل قاطعیت است؛ در دینش با کسی معامله و سازش نمی‌کند!

این همان ویژگی‌هایی است که زهرای اطهر(س) در خطبه‌اش درباره امیرالمؤمنین علی(ع) بیان فرمود و تأییدی از جانب پیامبر اکرم(ص) بر عصمت و ولایت‌مداری آن حضرت است.

حضرت فاطمه زهرا(س) در ولایت‌مداری پیشگام بود و تا پای جان در دفاع از امام زمان خود ایستاد. تاریخ و کتاب‌های شیعه و سنی این حقیقت را گواهی می‌دهند که آن حضرت در دفاع از حریم ولایت و امام جامعه مسلمین، جان‌فشانی کرد.

ان‌شاءالله به حق حضرت زهرا(س) همه ما در تبعیت و پیروی از آن بانوی بزرگ که امام عصر(عج) او را الگوی خود معرفی کرده‌اند، موفق باشیم. حضرت بقیةالله الاعظم(عج) فرمود «او الگوی ما و بهترین اسوه ماست»

ان‌شاءالله امیدواریم در زندگی خود پیرو راه و سیره حضرت فاطمه زهرا(س) باشیم. [پایان خطبه اول]

روز سیزدهم آبان را در پیش داریم که دارای مناسبت‌های متعددی است. یکی از این مناسبت‌ها – که در خطبه اول هم عرض کردیم – آن است که امسال، تقارن تقویم قمری و شمسی باعث شده سیزدهم آبان‌ماه با روز شهادت حضرت زهرای اطهر(س) مصادف شود. به حق حضرت فاطمه زهرا(س) از خداوند می‌خواهیم دعاهايتان مستجاب شود و باران رحمت الهی سراسر سرزمین ما را فرا گیرد.

روز سیزدهم آبان، در واقع روز ستیز با استکبار است؛ روز ملی مبارزه با استکبار جهانی و همچنین روز دانش‌آموز. در چنین روزی در سال ۱۳۵۷، عده‌ای از دانش‌آموزان کشورمان در دانشگاه تهران تجمع کرده بودند که رژیم پهلوی همه آنان را به شهادت رساند و از آن زمان این روز به نام «روز دانش‌آموز» نام‌گذاری شد.

در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ نیز دانشجویان پیرو خط امام، لانه جاسوسی آمریکا در تهران را تسخیر کردند. امام خمینی(ره) این رویداد را «انقلاب دوم» نامیدند.

همچنین در سال ۱۳۴۳، سیزدهم آبان روز تبعید حضرت امام خمینی(ره) از ایران به ترکیه است.

می بینیم که همه این مناسبت‌ها به نوعی با آمریکا و جنایات آن کشور ارتباط دارد و روز مبارزه با استکبار جهانی نامگذاری شده است.

در این میان، سؤالی مطرح می‌شود که لازم است مخصوصاً جوانان و دانش‌آموزان عزیز – که امروز حضورشان در نماز جمعه چشمگیر است – به آن توجه کنند. پیش از هر چیز از مسئولان آموزش و پرورش، و همه عزیزانی که زمینه حضور دانش‌آموزان را فراهم کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

اما سؤال این است:

چرا ما با آمریکا مخالفیم؟

یا بهتر بگوییم: چرا آمریکا با ایران دشمنی دارد؟

وقتی تاریخ را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که دشمنی آمریکا با ایران از روحیه سلطه‌جویی و استکباری آن سرچشمه می‌گیرد. آمریکا با هر کشوری که بخواهد مستقل باشد، برای خود تصمیم بگیرد، مستقل سیاست‌گذاری کند، و منافع ملت خود را مقدم بدارد، دشمنی می‌کند.

آمریکا نمی‌تواند پیشرفت، اقتدار و استقلال کشورها را ببیند؛ به‌ویژه کشورهایی که سال‌ها زیر سلطه‌اش بوده‌اند و با یک انقلاب یا حرکت مردمی از یوغ استکبار جهانی رها شده‌اند. انقلاب اسلامی ایران الگویی جدید ارائه داد؛ الگویی که برای ملت‌های دیگر قابل تبعیت و پیروی است. طبیعی است که آمریکا چنین الگویی را برنمی‌تابد و دشمنی می‌ورزد. این دشمنی اختصاص به ایران ندارد؛ در تاریخ آمریکا در یکصد سال گذشته، ۶۲ کودتا در کشورهای مختلف توسط آن کشور انجام شده است؛ برخی شکست خورده و برخی موفق بوده‌اند. نمونه روشن آن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است؛ علیه دولتی که مذهبی هم نبود، یعنی دولت دکتر محمد مصدق. او فقط می‌خواست تصمیم‌گیری درباره نفت ایران در اختیار خود ملت باشد.

بنابراین، یکی از اشتباهات تحلیلی این است که تصور کنیم دشمنی آمریکا به خاطر اسلامی بودن نظام ماست. خیر؛ آمریکا با هر کشور مستقلاً دشمن است، چه دینی باشد چه نباشد! با کشورهای سکولار یا بی‌دین هم دشمنی کرده است! مشکل اصلی آمریکا با ایران، صرف اسلامی بودن آن نیست؛ بلکه مستقل و مقتدر بودن ایران و دانش پرور بودن آن است!

آمریکا با ایران وابسته، با ایرانی که بازار مصرف او باشد، یا منبع انرژی‌اش را تأمین کند، هیچ مشکلی ندارد! چنانکه در دوران پهلوی، ایران را «شریک راهبردی» خود می‌نامید، چون منافع و نفت ما در اختیارش بود و حتی در انتخاب وزرا و نمایندگان کشور دخالت داشت.

اما آمریکا با ایرانی که با عزت حسینی و ملی، در برابر ظلم و زورگویی بایستد، دشمن است!

بعضی تحلیل‌ها اشتباه است که می‌گویند دشمنی آمریکا به خاطر پرونده هسته‌ای ایران است. خیر! مشکل اصلی آمریکا استقلال و اقتدار نظام جمهوری اسلامی است. اگر مسئله فقط هسته‌ای بود، آمریکا باید با هند، پاکستان یا حتی رژیم صهیونیستی هم دشمنی می‌کرد، زیرا آن‌ها غنی‌سازی بالاتری دارند!

دشمنی آمریکا با ایران، به دلیل استقلال‌طلبی، مقاومت در برابر ظلم و الگوشدن ایران برای دیگر ملت‌هاست. سیاست آمریکا از سال ۱۳۵۸ تاکنون، مهار همه‌جانبه ایران بوده است؛ مهاری چندوجهی که در قالب‌های مختلف از جمله تحریم اقتصادی، انزوای دیپلماتیک، فشار حقوق بشری، تهدید نظامی و جنگ روانی دنبال شده است. در همان سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، آمریکا، ایران را تحریم اقتصادی کرد تا ما را منزوی سازد. سپس با طرح‌های مختلف، از جمله بهانه حقوق بشر، فشار آوردند؛ یک روز گفتند حقوق زنان در ایران رعایت نمی‌شود، روز دیگر با وقاحت گفتند چرا حقوق هم‌جنس‌بازان رعایت نمی‌شود! از سوی دیگر تهدید نظامی و جنگ روانی را آغاز کردند. در جنگ تحمیلی اخیر نیز ابتدا از متجاوزان حمایت کردند و بعد خودشان مستقیم وارد میدان شدند!

اما همه این‌ها بهانه است؛ هدف اصلی آمریکا جلوگیری از تبدیل‌شدن ایران به یک قدرت مستقل و الگو برای سایر ملت‌هاست.

پرونده هسته‌ای نیز فقط یک بهانه است؛ حتی به فرض اگر این مسئله نیز حل شود، پرونده موشکی یا نفوذ منطقه‌ای ایران را مطرح می‌کنند. هدف نهایی، جلوگیری از پیشرفت و اقتدار ملت ایران است.

اما ملت ایران به لطف خدا و با هدایت‌های امام جامعه مسلمین، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با انسجام ملی و روحیه شهادت‌طلبی، در مقابل این دشمنی‌ها ایستاده است. در جنگ اخیر، شهدای بسیاری تقدیم کرده‌ایم — از دانشمندان و فرماندهان گرفته تا زنان و کودکان بی‌گناه — اما این خون‌ها مظهر غیرت ملی و مذهبی ما است. ان‌شاءالله این حرکت با بصیرت و انسجام بیشتر در برابر توطئه‌های دشمن ادامه یابد.

گاهی اوقات در رسانه‌ها شاهد طرح موضوعاتی هستیم که زمینه‌ساز ایجاد دوقطبی در کشور می‌شود. متأسفانه حتی برخی مسئولان سابق، از مقامات عالی‌تر سابق، امروز که زمان همراهی ما با یک کشور ثالث مثل روسیه شده تا حقوق خود را در برابر دشمنانی مثل آمریکا تامین کنیم اظهاراتی در یک سخنرانی یا مصاحبه مطرح می‌کنند که انسان نمی‌داند چطور باید آنها را تحلیل کند! بگوییم از روی نفهمی یا نادانی بوده است و یا خدای نکرده اینها مزدور آمریکا هستند! همه مردم می‌دانند همراهی با این کشور [روسیه] برای آن است که در مجامع بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل از آن بهره‌مند شویم. آنوقت یکبارہ کسی با آن خاکریز می‌زند!

امیدواریم خداوند ما و نیز همه افرادی که فکر می‌کنند موثر هستند اما در بزنگاه‌ها برخلاف منافع ملی حرکت می‌کنند را هدایت کند و اگر نه، حسابشان با کرام‌الکاتبین باشد.

در هر صورت، روز ۱۳ آبان یادآور حادثه مهم دیگری نیز هست؛ تسخیر لانه جاسوسی آمریکا.

عزیزان! بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شاه ملعون از ایران گریخت. تا حدود ۱۰ ماه، آمریکا به او پناه نداد با اینکه مزدور آمریکا بود، چون حضورش را به ضرر منافع خود می‌دانست! هنوز حدود ۴۰ هزار مستشار آمریکایی در ایران بودند. پس از مدتی، به وساطت برخی چهره‌های ثروتمند آمریکایی مانند «دیوید راکفلر» و نیز مشاور امنیت ملی وقت، آمریکا او را به بهانه درمان بیماری پذیرفت. در آن هنگام، جمعی از دانشجویان انقلابی ما برای اعتراض به این اقدام، تصمیم گرفتند در حرکت مهم، سفارت آمریکا را [که هنوز مشخص نبود لانه جاسوسی است] اشغال کنند. اما پس از ورود به سفارت، به اسنادی در حدود هفتاد جلد دست یافتند که نشان می‌داد سفارت آمریکا، مرکز جاسوسی و توطئه علیه انقلاب اسلامی بوده است.

به همین دلیل، این اشغال موقت به تسخیر ۴۴۴ روزه انجامید و امام خمینی (ره) آن را «انقلاب دوم» نامیدند، زیرا پس از مبارزه با استبداد داخلی، ملت ایران اکنون باید با استکبار جهانی نیز مبارزه می‌کرد.

یکی از خطراتی که انقلاب دوم را تهدید می‌کند فراموشی تاریخ است. امروز، برخی از مسئولان سابق که انسان خجالت می‌کشد بگویند روزی مسئول جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند، عنوان می‌کنند که اولین اشتباه ما تسخیر سفارت آمریکا بوده است! باید به آنان که حافظه تاریخی آنها خراب شده یا خراب بوده، بگوییم: دشمنی آمریکا با ملت ایران پیش از آن آغاز شده بود؛ ما دشمنی نکردیم، آمریکایی‌ها با کودتای ۲۸ مرداد و به فرمایش مقام معظم رهبری قبل از اینها با ملت ایران دشمنی کردند.

ما شما را انسان‌های انقلابی می‌دانستیم! شما در انقلاب بودید! ما که در دوران انقلاب سن بسیار کمتری از شما داشتیم، شما آن موقع دم از ضدیت با رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌زدید! شما چطور این حرف را می‌زنید که ما اشتباه کردیم سفارت آمریکا را اشغال کردیم!

اما به جز خطر فراموشی تاریخ، خطر مهم دیگری که انقلاب دوم یعنی تسخیر لانه جاسوسی را تهدید می‌کند تحریف تاریخ این واقعه است. اگر بررسی کنیم می‌بینیم استکبار جهانی با چند واسطه افکار افراد موثر در تسخیر لانه جاسوسی را تغییر می‌دهد که باید از این خطر به خدا پناه ببریم. عده‌ای می‌خواهند واقعیت‌ها را وارونه نشان دهند و جوانان را نسبت به دستاوردهای آن رویداد دلسرد کنند!

اما انقلاب دوم ثمرات بزرگی داشت:

۱. تثبیت نظریه امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه مبارزه با استبداد داخلی باید همراه با استکبارستیزی خارجی باشد.

۲. رسوا شدن جریان‌های لیبرالی داخلی که به سازش با آمریکا امید بسته بودند!

۳. خنثی شدن تبلیغات گروه‌های چپ که حزب‌الله و نیروهای انقلابی را متهم به سازش با آمریکا می‌کردند.

۴. تقویت روحیه و شعور انقلابی در میان ملت.

در همان دوران ۴۴۴ روزه، سه رویداد مهم نیز رخ داد:

در ۱۲ آذر ۱۳۵۸، همه‌پرسی قانون اساسی با آرای بسیار بالا برگزار شد.

در ۵ بهمن ۱۳۵۸، انتخابات ریاست‌جمهوری با شور و نشاطی بالا انجام گرفت.

و در ۷ خرداد ۱۳۵۹ نیز نخستین مجلس شورای اسلامی تشکیل شد.

تمام این وقایع در همان زمان تسخیر لانه جاسوسی روی داد.

ان‌شاءالله خداوند ارواح همه شهیدانی را که در این مسیر فداکاری کردند، شاد کند و ما را توفیق دهد ادامه‌دهنده راهشان باشیم.

امروز وظیفه ما آن است که همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند امید خود را از دست ندهیم، انسجام و اتحاد مقدسمان را حفظ کنیم، در جنگ رسانه‌ای و فضای مجازی دشمن، هوشیار باشیم و از دو قطبی‌سازی‌ها پرهیز کنیم.

نباید به افراد توجه کنیم بلکه به سخنان و میزان تطابق آن با مبانی انقلاب اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری نگاه کنیم. هر کس و هر مقام و شخصی، اگر سخنش منطبق با این امر بود، روی سر و چشم ما جا دارد و اگر برخلاف فرمایشات مقام معظم رهبری و در واقع برخلاف منافع ملت باشد، سخنش بی‌ارزش است.

اما در مورد شرایط اقتصادی گاهی انسان برخی سخنان را می‌شنود که مقداری می‌ترسد! گاهی مردم عزیزمان می‌گویند ما این اندازه گرسنه بودیم و خودمان هم نمی‌دانستیم! سخنرانی خوب است اما اگر فکر می‌کنید مردم تحت فشار و سختی معیشتی هستند اقدامی انجام دهید. البته منابع فراوانی هم داریم اما مدیریت، روحیه و انگیزه خدمتگزاری بیشتری می‌خواهد تا مردم از این منابع بهره‌مند شوند. امیدواریم این گرانی‌ها روز به روز کمتر شود، البته طرح‌هایی مثل کالا برگ که با همراهی مجلس و دولت در حال انجام است با جدیت دنبال شود و ان‌شاءالله این پیچ سخت را که شاید بتوان به آن بحران گفت نیز پشت سر بگذاریم.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.